

اکران مردمی فیلم «ناجورها» با حضور عوامل اثر در سینماهای مشهد برگزار شد

روایتی طنزآمیز از روابط انسانی

ریحانه موسوی



اکران مردمی فیلم «ناجورها» با حضور صمیمانه المیرا دهقان و حامد وکیلی بازیگران این فیلم، سه‌شنبه،

بیست و پنجم شهریور ۱۴۰۴، در پردیس سینمایی هویزه، سیمرخ و مهر کوهستانی برگزار شد. استقبال خوب مخاطبان همراه با گفت‌وگوهای دوستانه بازیگران، باعث ایجاد فضایی دوستانه و صمیمی شد. حضور بازیگران کنار مردم و گرفتن عکس یادگاری با آن‌ها در حاشیه اکران فیلم، حال و هوایی گرم و صمیمی به مراسم داد.

● نباید آثار کمدی و سرگرم‌کننده، میتذل باشند المیرا دهقانی در حاشیه اکران فیلم «ناجورها» به شهرآرا گفت: همیشه دوست داشتم تجربه‌ای در زمینه کمدی داشته باشم، اما با فیلم نامه‌هایی که به دستم می‌رسید و شرایطی که برای برنامه‌ریزی و انجام کار بود، هیچ وقت همه چیز دست به دست یکدیگر نمی‌داد. تا اینکه توسط حسین فرحبخش دعوت به کار شدم و فیلم نامه او به دستم رسید.

وی چالش‌های لهجه شیرازی در کار کمدی را به سلیقه خود نزدیک‌تر خواند و ادامه داد: این اتفاق باعث شد چیزی که همیشه منتظرش بودم، در این نقطه رقم‌بزنم. ما اتفاقاتی را در فیلم نامه دست‌کاری می‌کنیم یا ممکن است

لحظاتی را اضافه کنیم.

پیشنهادهایی داده می‌شود که گاهی قبول می‌شود یا نمی‌شود. نکته درخورتوجه برای من این بود که نقشم کاریکاتر نشود و به دلیل اینکه لهجه داشتم، می‌خواستم لهجه شیرازی جوانان ۱۴۰۴ باشد، نه شکل قدیمی آن و باتوجه به طبقه‌ای که این‌دختر داشت، دوست داشتم از هر چیز غلوآمیزی که ممکن است آن را تشدید کند، دوری کنم. در این فیلم شخصیت خود را خنده دار بازی نمی‌کردم. زیرا احساسم بر آن بود که لحظات خود را زندگی کنم.

وی با بیان اینکه نمی‌خواستم فقط دریک‌ژانر ایفای نقش کنم، افزود: همیشه سعی می‌کنم از بین پیشنهادهایی که به دستم می‌رسد، چیزی را انتخاب کنم که با حال و روحیه‌ام در آن لحظه سنخیت بیشتری دارد.

این بازیگر در پایان چالش اصلی این روزهای ژانر کمدی اجتماعی سینمای ایران را فرار از ابتذال دانست و گفت: مسئله‌ای که همه فعالان ژانر کمدی اعم از نویسندگان، بازیگران و کارگردانان دارند، این است که از عوامل مبتذل به‌نظرسیدن کمدی فرار کنند. زیرا قرار نیست کارهای سرگرم‌کننده الزاما مبتذل باشند.



عکس: زهرا یوسفیان/شهرآرا



● برخی فیلم‌ها در هر حالی می‌خواهند مردم را بخندانند

حامد وکیلی، بازیگر خراسانی، نیز با بیان اینکه تاکنون سابقه همکاری با حسین فرحبخش را نداشته است، گفت: ما با هم سابقه دوستی داشتیم. این تهیه‌کننده کارهای مرا دیده و از ابتدا نظرش بر این بود تا این نقش را من بر عهده بگیرم. وقتی قرار بر این شد تا در آن حضور داشته باشم، بسیار تأکید داشت که آن را با لهجه مشهدی صحبت کنم. می‌شد آن را با لهجه دیگری نیز بازی کنم، اما به دلیل اینکه خودم اهل خراسان هستم، دوست داشتم از لهجه مشهدی و خراسانی استفاده شود. زیرا به‌نظرم کار را شیرین‌تر و جذاب‌تر می‌کرد.

وی درباره نقش خود بیان کرد: شخصیت من در فیلم به نام «دزد» معروف است. اما درواقع دزد نیست. او با این گروه همکاری داشته است، اما پول او را نمی‌دهند و حالا به‌طریقی خاص می‌خواهد طلب خود را وصول کند. این

فیلم اجتماعی بود و کمدی‌ای که در آن وجود داشت. کمدی موقعیت بود. یعنی اتفاقات بسیار بامزه‌ای رخ می‌داد و موقعیت‌هایی که در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند، کار را جذاب می‌کرد. این بازیگر ادامه داد: اکنون به بعضی کارهای

کمدی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم به‌هر شکلی می‌خواهند مردم را بخندانند و به‌هر چیزی متوسل می‌شوند تا این کار را انجام دهند. خوشبختانه فکری‌کنم این اتفاق برای فیلم «ناجورها» رخ نداد. زیرا هم ما بازیگران و هم حسین فرحبخش دوست نداشتیم چنین اتفاقی بیفتد.

وی درباره انتخاب خود برای حضور در ژانرهای کمدی اظهار کرد: در تئاتر ژانرهای دیگر را نیز بسیار کار کرده‌ام، اما از زمانی که در قلاب تصویر قرار گرفتم، بیشتر نقش‌هایی که به من پیشنهاد شد، کمدی بود، جز دو نقش که آن‌ها نیز سینمایی بودند و هنوز پخش نشده‌اند. خود را محک بزنم، اما من اکنون فکر می‌کنم فعلا به آن چیزی که خودم دوست داشتم و می‌خواستم نرسیده‌ام؛ دست‌کم در ژانر کمدی که تقریباً می‌توان گفت بر آن تسلط دارم و به آن علاقه مند هستم.

وکیلی در بخش دیگری از صحبت‌هایش حسین فرحبخش را از تهیه‌کنندگان خوب سینمای ایران دانست و بیان کرد: اکنون می‌بینیم که فیلم «ناجورها» در گیشه فروش خیلی خوبی داشته است و امیدواریم این روند ادامه پیدا کند. همچنین بازخورد‌های خوبی از

گذری به موزه تخصصی فرش آستان قدس رضوی

گنجینه‌ای از هنر ناب ایرانی در حرم رضوی



فضا و مکان مجزا شد. این فضا در محل مقبره مرحوم شیخ بهایی ایجاد شد. از همان دوران هم فرش در این موزه به نمایش درآمده است و به این ترتیب، سابقه نمایش فرش در آستان قدس به سال ۱۳۲۴ بازمی‌گردد. در این دوره سه تخته فرش نفیس در موزه به نمایش درآمده است. وی بیان می‌کند: فرش‌های قدیمی‌تر موزه آستان قدس رضوی به دوره صفویه بازمی‌گردد و در بین آن‌ها نفیس‌ترین فرش، فرش گلابتون دوزی است که در آن رشته‌های نقره به کار رفته و طرح افشان شاه عباسی است و بنا به اسناد تاریخی موجود، این فرش به دستور شاه عباس صفوی برای استفاده در حرم مطهر رضوی در کارگاه‌های سلطنتی آن زمان در مشهد بافته شده است. این فرش زمینه لاک‌ی است که مشخصه فرش مشهد بوده و شامل گل‌های شاه عباسی بزرگی است. این فرش را می‌توان یکی از دست‌بافته‌های منحصر به فرد بشر به حساب آورد. البته فرش‌های دیگری مربوط به دوره صفوی نیز در موزه وجود دارد، وی تأکید می‌کند: همین غنای موزه‌ای و وجود

● **تاخته فرش در معرض دید علاقه‌مندان قرار دارد**

رئیس اداره گنجینه‌های موزه آستان قدس رضوی در ادامه به وضعیت موجود موزه فرش آستان قدس رضوی اشاره می‌کند و می‌گوید:



روایت اندوهی ناتمام

گزارشی از اجرای تئاتر «چهار دقیقه» در تماشاخانه بهار مشهد



رومینا مألوف

دختری روی صحنه ایستاده است. نگاهش خیره مانده است به جایی دور؛ جایی که انکار کسی باید از آنجا بازگردد، اما نمی‌آید. صدای پسر در یاد‌ها تکرار می‌شود، پسری که رفته و غیابش همه چیز را زیر سایه برده است. در جریان نمایش، سایه‌های گذشته بازمی‌گردند. خواهر و برادری که هیچ‌گاه فرصت زندگی نیافتند، حالا کنار دختر می‌ایستند تا او بتواند خودش را دوباره پیدا کند. روایت آرام پیش می‌رود، اما در عمقش پرسشی آشنا جاری است، انسان چطور می‌تواند از دل اندوه راهی برای ادامه دادن پیدا کند؟ «چهار دقیقه» به کارگردانی صدرا سبزه‌کار و با بازی گروهی از دانشجویان مؤسسه اقبال لاهوری، هر شب در تماشاخانه بهار روی صحنه است. در ادامه گفت‌وگوی ما با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

● **چهار دقیقه؛ تجربه‌ای دانشجویی با پریشی جهانی**

صدرا سبزه‌کار درباره روند شکل‌گیری این اثر توضیح می‌دهد: در پروژه پایان کارشناسی باید میان نمایشنامه‌نویسی یا کارگردانی انتخاب می‌کردیم. من کارگردانی را برگزیدم و در همکاری با آقای شیرنگی به عنوان استاد راهنما به متن خانم نغمه ثمینی رسیدیم. دلیل اصلی انتخابم، جذابیت اولیه متن و ارتباط عاطفی‌ای بود که با آن برقرار کردم؛ به ویژه مضمون سوگواری. همیشه برایم پرسش بوده است که اگر عزیزی را از دست بدهیم و در سوگ او متوقف شویم، چه سرنوشتی خواهیم داشت. همین پرسش را می‌خواستم روی صحنه با تماشاگر به اشتراک بگذارم.

او ادامه می‌دهد: از ابتدا تصمیم داشتم گروه را از میان دانشجویان همان مؤسسه تشکیل دهم. باور دارم وقتی جوان‌ها و هم‌کلاسی‌ها کنار هم جمع می‌شوند، انرژی و فهم متقابلشان خروجی بهتری به وجود می‌آورد. به همین دلیل بازیگرانی چون مهلا علیزاده، نغمه دوستی و دانیال حشمتی همگی از دانشجویان مؤسسه اقبال لاهوری هستند.

این کارگردان درباره روند تمرین‌ها می‌گوید: انتخاب متن پیش از عید انجام شد و از اواخر فروردین ۱۴۰۴ تمرین‌ها آغاز شد. حدود شش ماه کار کردیم؛ البته با استراحت‌های چند هفته‌ای. اما این مسیر طولانی، گروه را منسجم‌تر کرد. سبزه‌کار بیان می‌کند: خوش‌حال می‌شوم کسانی که به تئاتر علاقه مند هستند یا حتی نخستین بار می‌خواهند تئاتر ببینند، به تماشای نمایش ما بیایند. «چهار دقیقه» هر شب ساعت ۲۰:۲۴ در تماشاخانه بهار واقع در بوستان ملت مشهد اجرا می‌شود و مدت آن هفتاد به علاوه چهار دقیقه است. امیدواریم با این اجرا، تماشاگران بیش از پیش با تئاتر همراه شوند.

● **آوا؛ مسیری واشک تا انفجار احساسی**

مهلا علیزاده، بازیگر نمایش «چهار دقیقه» که نقش «آوا» را ایفا می‌کند، درباره تجربه‌اش می‌گوید: نمایشنامه از خانم نغمه ثمینی است که به نظر من یکی از آثار برتر او محسوب می‌شود. خود متن به تنهایی کامل است و همه چیز را در خود دارد. وقتی اولین بار آن را خواندم، لحظه به لحظه با شخصیت آوا همراه شدم واشک از چشمانم جاری شد. همان موقع ترسیدم؛ اینکه چگونه می‌توانم این نقش را طوری بازی کنم که همان احساسی که من هنگام خواندن متن داشتم، برای تماشاگر هم اتفاق بیفتد. این برایم یکی از چالش‌های بزرگ بود. او ادامه می‌دهد: در جلسات اولیه تحلیل متن با کارگردان، درباره غم‌های شخصیت آوا صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این شخصیت باید مرحله به مرحله بالا برود تا در نهایت، جایی که به اصل ماجرای پی می‌برد، انفجار احساسی رخ دهد. در طول اتودها، بارها مسیر را از نمودیم تا در نهایت به شکلی ثابت و روشن از این روند برسیم.

این بازیگر با اشاره به دشواری نقش خود در این نمایش تصریح می‌کند: اینکه بتوانی در طول هفتاد دقیقه اجرا این روند احساسی را پشت سر بگذاری و هم زمان آن را برای مخاطب حفظ کنی، بسیار سخت است، اما برای من مهم‌ترین هدف این بود که همان حسی را که هنگام اولین خواندن متن تجربه کردم، به تماشاگر هم منتقل کنم. این برایم یک چالش واقعی بود.

● **آشیان؛ همراهی در دل یک سوگواری**

نغمه دوستی، بازیگر نقش «آشیان» در نمایش «چهار دقیقه»، درباره دلیل حضورش در این اثر توضیح می‌دهد: وقتی صدرا سبزه‌کار برای این نقش از من دعوت کرد، یکی از دلایلم برای پذیرش، اعتماد به او و تیم بود. می‌دانستم گروهی که او کنار هم قرار می‌دهد، تیمی قوی خواهد بود و حالا که در این مسیر قرار گرفته‌ام، می‌بینم نتیجه حتی فراتر از تصور بوده است.

او درباره نقش خود می‌گوید: آشیان از نظر عاطفی به خواهرش بسیار نزدیک است، اما از نظر فیزیکی تفاوت‌های زیادی دارند. گاهی باید در مقام یک همراه و تسلا دهنده وارد عمل شود و حتی در مواقعی کارهایی کند که چندان اخلاقی نیست، فقط برای اینکه خواهرش را دوباره به یاد بیاورد و به زندگی بازگرداند. دوستی همچنین با اشاره به فرایند تمرین‌ها تأکید می‌کند: کارگردان هر هفته ما را با چالش‌های تازه روبه‌رو می‌کرد. گاهی تمرین‌ها باعث می‌شد متوجه توانایی‌هایی در خودم بشوم که پیش‌تر از آن‌ها بی‌خبر بودم. این تجربه برایم ثابت کرد که وقتی فضا باز گذاشته شود و تمرین‌ها هدفمند باشد، نقش‌ها عمق بیشتری پیدا می‌کنند.

● **یونس؛ جدال با سه چهره متفاوت**

دانیال حشمتی، بازیگر نقش «یونس» در نمایش «چهار دقیقه»، درباره دلیل حضورش در این اثر می‌گوید: وقتی نمایشنامه را خواندم، اولین چیزی که جذبم کرد، تنوع شخصیت‌ها بود. از یلیس و رسپشن گرفته تا یونس، هر کدام وجه‌های متفاوتی داشتند و همین تفاوت‌ها برایم چالش برانگیز و جذاب بود. دوست داشتم با هر کدام کشتی بگیرم، چیزی از آن‌ها بیرون بکشم و به نتیجه‌ای برسم.

او ادامه می‌دهد: از سوی دیگر، همکاری با صدرا سبزه‌کار برایم انگیزه بزرگی بود. صدرا آدمی با دانش، مؤدب و بسیار حرفه‌ای است و من علاقه دارم با هم نسل‌هایم کار کنم تا در این مسیر آزمون و خطا کنیم و به پیشرفت برسیم.

حشمتی درباره روند تمرین‌ها توضیح می‌دهد: ما بیش از هفتاد جلسه تمرین داشتیم. در این جلسات مدام اتود می‌زدیم، چیزی را حذف یا تثبیت می‌کردیم و حتی بحث‌های جدی داشتیم تا در نهایت به بهترین شکل برسیم. همین فرایند طولانی و پرچالش یکی از دلایلی بود که باعث شد این نقش را بپذیرم. نقش یونس نسبت به تجربه‌های قبلی‌ما بسیار متفاوت بود و این تفاوت برای من هیجان‌انگیز است.